

اقتصاد سیاسی روابط ایران و قزاقستان و همگرایی اوراسیایی (۲۰۱۰-۲۰۲۰)

مهدی هدایتی شهیدانی^۱

امید رحیمی^۲

اقتصاد بخشی جدایی‌ناپذیر از مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان طی سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده است. در این مدت مناسبات تجاری دو کشور رشد چشمگیری داشته و تعداد قابل توجهی از اسناد حقوقی با هدف تسهیل تعاملات تجاری میان دو کشور به امضا رسیده است. با این حال پس از سال ۲۰۰۰ روند مبادلات تجاری متناسب با روند رشد بازرگانی دو کشور پیش نرفته و شاهد فراز و نشیب‌هایی در مبادلات تجاری دوجانبه بوده‌ایم که متاثر از عوامل اقتصاد سیاسی روی داده است. در پاسخ به این شرایط، دو کشور تلاش‌هایی را برای باثبات‌سازی مناسبات مبتنی بر سازوکارهای سیاسی و اقتصادی صورت داده‌اند. براین اساس، سوال اصلی مقاله آن است که باتوجه به ناپایداری در روند رشد مبادلات تجاری ایران و قزاقستان در پی بروز چالش‌های اقتصادی-سیاسی، دو کشور در بازه سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ از چه الگویی در حوزه اقتصاد سیاسی برای باثبات‌سازی مناسبات و تعاملات اقتصادی استفاده کرده‌اند؟ فرضیه نویسندگان آن است که در پاسخ به ناپایداری روند رشد مبادلات تجاری، ایران و قزاقستان از سال ۲۰۱۰ روندهای چندجانبه همگرایی سیاسی را با محوریت اهداف ژئواکونومیک در پیش گرفته‌اند. در نتیجه این رویکرد، دو کشور در چارچوب‌های چندجانبه مختلفی از جمله اتحادیه‌های اقتصادی، بسترهای حقوقی مشترک و طرح‌های ترانزیتی بین‌المللی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. یک برونداد این رویکرد نیز که با حضور دو بازیگر کلیدی از جنوب غرب آسیا و آسیای مرکزی روی داده، زمینه‌سازی برای مشارکت ایران در فرایند «همگرایی اوراسیایی» بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، قزاقستان، اقتصاد سیاسی، همگرایی اوراسیایی و میان منطقه‌گرایی.

^۱ نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: mehdi.hedayati88@gmail.com

^۲ کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: omid.rahimi69@gmail.com

- این مقاله علمی _ پژوهشی می باشد. تاریخ دریافت ۹۹/ ۹/۲۸ و تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰ / ۱۷

مقدمه

مناسبات اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی بدون نظر داشت به متغیرهای سیاسی به دشواری از قابلیت تسهیل و توسعه برخوردارند. ساختار اقتصاد این جمهوری‌ها به میزان زیادی دولت‌محور است و در بخش خصوصی نیز الیگارشی‌های وابسته به طبقه حاکم در اصلی‌ترین لایه‌ها حضور دارند. از این رو، هر نوع تعاملات و مبادلات اقتصادی پایدار، گسترده و رو به رشد چه در مناسبات دولتی و چه در بخش خصوصی به میزان زیادی مستلزم در نظر گرفتن عوامل سیاسی است. این موضوع به عنوان یک گزاره کلیدی در تنظیم رفتار سیاست خارجی بازیگران مختلف با این جمهوری‌ها نیز اثرگذار بوده است. روابط ایران و قزاقستان نیز در چنین روندی از سال ۱۹۹۱ شکل گرفته و توسعه یافته است. ایران جزو نخستین کشورهایایی بود که استقلال قزاقستان را به رسمیت شناخت و سفارتخانه خود را در این کشور دایر کرد. همین عامل به تنهایی تأثیر قابل توجهی بر روابط اقتصادی دو کشور در سال‌های نخست دهه ۹۰ میلادی داشت.

در کنار این موضوع، اهمیت ژئوپلیتیک منحصر به فرد منطقه اوراسیا انطباق ترندهای اقتصادی بر مولفه‌های جغرافیای سیاسی را ایجاب کرده است. ساختارهای سنتی انتقال انرژی و بسترهای ترانزیتی در این منطقه عموماً در دوره اتحاد جماهیر شوروی و مبتنی بر نقش محوری مسکو تنظیم شده‌اند. در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های تازه استقلال یافته نیز در عین وجود تلاش‌ها برای مقاومت در برابر تداوم این روند، رویکردهای استقلال‌گرایانه از شکل‌گیری جریان‌های جدید را شاهد بوده‌ایم. نخستین دریچه‌های غیرروسی در اوراسیا با راه‌اندازی خط لوله انتقال گاز کردکوی-کردبچه^۱ در سال ۱۳۷۴ و نیز افتتاح خط ریلی مشهد-سرخس-تجن در اردیبهشت ۱۳۷۵ تحقق یافت. افتتاح کریدور ریلی شرق خزر در سال ۱۳۹۳ توسط روسای جمهوری سه کشور ایران، قزاقستان و ترکمنستان نشان از تداوم این روند با گذشت بیش از دو دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارد.

با این حال این روند به طور هم‌زمان با دو رویکرد بدیل دیگر همراه بوده است. فرایندهای سیاسی اعمال شده از سوی ایالات متحده آمریکا همواره در تلاش بوده تا

^۱. Karpache-Kordkouy Pipeline

گفتمان‌های سیاسی را بالاتر از صرف منافع ژئواکونومی قرار داده و از تحقق طرح‌های منطبق بر ژئوپلیتیک ایران پیشگیری نماید. در عین حال، جریان قوی‌تری نیز با محوریت مسکو به وجود آمد که شکل‌گیری یک منطقه فدراتیو در اوراسیای بزرگ را مدنظر قرار داده بود. اگرچه این دیدگاه در سال‌های دهه ۹۰ میلادی به احیاء اتحاد جماهیر شوروی تعبیر می‌شد، از سال ۲۰۰۰ به بعد و پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، گزاره‌های جدید آن تحت مفهوم «همگرایی اوراسیایی»^۱ پدیدار گشت. در این رویکرد، برخی روندها در راستا تعمیم نظم اقتصادی، سیاسی و امنیتی نهادگرایانه در سازمان‌هایی نظیر کشورهای مستقل مشترک المنافع، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و پیمان امنیت دسته‌جمعی به یک نظم منطقه‌ای در اوراسیا اعمال شد. طی سال‌های اخیر نیز این روند به طور محسوسی به خارج از اوراسیا تسری یافته و در شرف ایجاد یک نظم پیوندی میان اوراسیا و مناطق پیرامونی است.

در این چارچوب روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان به عنوان دو بازیگر کانونی در دو منطقه غرب آسیا و آسیای مرکزی حائز اهمیت است. دو کشور پیش از این اثبات کرده‌اند که از توانایی تاثیرگذاری بر روندهای جهانی برخوردار بوده و نیز قابلیت تعریف و اجرای ابتکارهای منطقه‌ای را دارا می‌باشند. با این حال در حوزه مناسبات اقتصادی و مبادلات تجاری دو کشور متاثر از مولفه‌های فوق‌الذکر، نتوانسته‌اند رشد چشمگیر و پایداری را در روابط دوجانبه تجربه کنند. درحقیقت، در پی تاثیرگذاری عوامل اقتصاد سیاسی نظیر تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، طرح‌های ژئوپلیتیک با محوریت آمریکا در منطقه و نگاه‌های اوراسیاگرایانه مضیق از سوی مسکو، عوامل بازدارنده‌ای برای رشد و توسعه مناسبات دو کشور بوده‌اند. از این منظر، مقاله حاضر در پی تحلیل روندهای دوجانبه و چندجانبه روابط دو کشور مبتنی بر اصول اقتصاد سیاسی و ارزیابی میزان انطباق آن‌ها با روندهای منطقه‌ای اوراسیا همچون همگرایی اوراسیایی است. سوال اصلی مقاله آن است که باتوجه به ناپایداری در روند رشد مبادلات تجاری ایران و قزاقستان در پی بروز چالش‌های اقتصادی-سیاسی، دو کشور در بازه سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ از چه الگویی در حوزه اقتصاد سیاسی برای باثبات‌سازی مناسبات و تعاملات اقتصادی استفاده کرده‌اند؟ فرضیه نویسندگان آن است که در پاسخ به ناپایداری روند رشد مبادلات تجاری،

^۱. Eurasian Convergence

ایران و قزاقستان از سال ۲۰۱۰ روندهای چندجانبه همگرایی سیاسی را با محوریت اهداف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک «همگرایی اوراسیایی» در پیش گرفته‌اند به نحوی که یک برونداد این موضوع که در قالب عضویت در اتحادیه‌های اقتصادی و طرح‌ریزی برای کریدورهای بین‌المللی مشهود بوده، بسترسازی برای مشارکت فعال ایران در نگاه‌های موسع اوراسیاگرایانه روسیه مبتنی بر فرایند همگرایی اوراسیایی است. در خصوص این موضوع در ادبیات پارسی روابط بین‌الملل تاکنون چندین اثر مختلف به چاپ رسیده است که می‌توان به مقاله «کالبدشکافی همگرایی اوراسیایی روسیه؛ چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی» نوشته دکتر سیدمحمدکاظم سجادپور و مریم سلیمانی در سال ۱۳۹۴ اشاره کرد. در عین حال مقاله علیرضا نوری در سال ۱۳۹۷ تحت عنوان «ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی؛ منافع منطقه‌گرایی فعال» نیز حاوی نکاتی ارزشمند و به‌روزتر است. با این حال، منطبق بر روند مناسبات ایران و قزاقستان مقاله سعید وثوقی و عسگر صفری با عنوان «نقش قزاقستان در گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی» به چاپ رسیده است. در آن مقاله، نویسندگان به دنبال مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی قزاقستان بوده‌اند تا نشان دهند سیاست خارجی این کشور به چه صورت موجب گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی می‌شود. اما مقاله حاضر تمرکز خود را با اتکاء به روش توصیفی-تحلیلی بر ارائه فهمی تحلیلی و واقع‌بینانه نسبت به مشارکت ایران در همگرایی اوراسیایی از دریچه مناسبات ایران و قزاقستان قرار داده است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز در این مقاله براساس رجوع به منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی است.

چارچوب نظری، تقسیم‌بندی در بازه پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه دوره جنگ سرد روند کارکردی منطقه‌گرایی و مفهوم‌یابی آن به مرور تکوین یافت تا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور روندهای جدید منطقه‌گرایی غیراروپایی با پیچیدگی‌های مضاعفی روبه‌رو شد. در این دوره نظریاتی که بر مبنای همگرایی اروپایی توسعه یافته بودند از قابلیت توضیح و تبیین دقیق فرایند منطقه‌گرایی جهان غیراروپایی را نداشتند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). از این‌رو به مرور مفهوم «منطقه‌گرایی نوین»^۱ از

^۱. New Regionalism

نسخه‌های قدیمی تمایز یافت. منطقه‌گرایی قدیم یک پدیده دولت‌محور بود که سطحی از همکاری میان دولت‌های مجاور را تبیین می‌کرد. در حالی که این نسخه از منطقه‌گرایی در نظام دوقطبی جنگ سرد تعریف می‌شد، منطقه‌گرایی نوین در یک نظم چندقطبی و هم‌راستا با پدیده جهانی‌شدن مفهوم یافت. در همین حال، منطقه‌گرایی قدیم دارای یک روند شکل‌گیری از بالا به پایین بود، اما نسخه جدید آن فرایندی داوطلبانه داشت و در چارچوب ظهور مناسبات جدید و در یک فرایند از پایین به بالا تکوین می‌یافت. همچنین در سطح تعاملات اقتصادی نسخه قدیمی از منطقه‌گرایی محافظه‌کار و درون‌گرا بود، اما گونه‌های جدید خود را «باز»^۱ توصیف کرده و سازگار با وابستگی متقابل جهانی توسعه یافتند. در کنار این موارد باید اشاره داشت که روندهای پیشین منطقه‌گرایی عموماً مبتنی بر اهدافی خاص نظیر تامین امنیت بودند ولیکن منطقه‌گرایی جدید در یک فرایند جامع‌تر و مبتنی بر فرایندهای اجتماعی چندوجهی توسعه یافته‌اند. در عین حال، در نسخه قدیمی منطقه‌گرایی ارتباطات اغلب میان گروهی از کشورهای همسایه و هم‌جوار تعریف می‌شد، اما گونه‌های جدید آن نه‌تنها ساختار ارتباطات جهانی شده، بلکه بازیگران غیردولتی نیز در آن نقش‌آفرینی می‌کنند (Hettne, 2003: 23-24). این ویژگی‌ها و تمایزات در واقع، بستر شکل‌گیری میان منطقه‌گرایی^۲ را به وجود آورد. میان منطقه‌گرایی را می‌توان در حقیقت یکی از گونه‌های جهانی‌شدن در نظر گرفت که در مقایسه با نسخه‌هایی نظیر توسعه جهانی‌شدن مبتنی بر بازار در میان دولت-ملت‌های^۳ وستفالیایی، ریشه‌های بیشتری در قلمرو جغرافیایی دارد. این رویکرد همچنین برخلاف چندجانبه‌گرایی سنتی^۴ که ارتباطات منطقه‌ای در آن به اصل مجاورت جغرافیایی بود، یک رابطه خاص محسوب می‌شود. این رویکرد در سیاست خارجی کشورها مستلزم نوعی روابط هیبریدی^۵ است که به میزان کمی شامل روابط درون منطقه‌ای، میزانی روابط فرامنطقه‌ای و شامل بخشی از مناسبات دوجانبه است. رویکردهای میان منطقه‌گرایانه نیز عموماً داوطلبانه و همکاری‌جویانه است (Hettne, 2005: 279-280).

¹. Open

². Inter-Regionalism

³. Nation-State

⁴. Traditional Multilateralism

⁵. Hybrid Relations

در این چارچوب بسترهای تعاملات کشورها با فضای پیرامونی خود فراتر از ابعاد صرف در مجاورت جغرافیایی و تامین امنیت رفته و به مرور الزامات رفتاری خاصی بر سیاست خارجی آنها تحمیل می‌شود که از آن به سیاست خارجی نومنطقه‌گرا تعبیر می‌شود. این نوع از سیاست خارجی به معنای تقویت روابط درون منطقه‌ای، افزایش تعاملات میان منطقه‌ای و در نهایت ارتقاء تعامل با نهادهای جهانی است. در همین راستا، در سیاست خارجی نومنطقه‌گرا ابعاد فرهنگی و اجتماعی به ابعاد صرفا اقتصادی یا امنیتی افزوده می‌شوند. روند پایین به بالا و نهادمحور جایگزین روند بالا به پایین و دولت‌محور شده و بر مناسبات غیررسمی، چندقطبی، خودجوش و برون‌نگر تاکید می‌شود. در واقع، سیاست خارجی نومنطقه‌گرا در عصر جهانی شدن به دنبال تلفیق سطوح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اساس سیاست خارجی توسعه‌گرا است (دهشیری و رضائی جعفری، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۱۹۸). البته باید اشاره داشت تلفیق سطوح فوق‌الذکر بسته به نوع دیدگاه‌های حاکم بر اصول سیاست خارجی کشورها می‌تواند به معنای هضم در محیط بین‌المللی و تسریع فرایند جهانی شدن بوده و یا مبتنی بر دیدگاه‌های انتقادی، مقاومت در برابر آن و یا ارائه بدیلی منطقه‌ای در مقابل مزیت‌های جهانی شدن را در دستور کار قرار دهد.

با این حال باید توجه داشت که این نوع از سیاست خارجی که متضمن نوعی میان منطقه‌گرایی و در نهایت نگاه جهانی است، در نقش تمامی کشورها قابل تعریف نیست. تنها کشورهایی از قابلیت پیاده‌سازی کیفی چنین نقشی برخوردارند که حائز برخی ویژگی‌ها به لحاظ جغرافیایی و شاخص‌های قدرت باشند. در وهله نخست، این کشورها می‌بایست دارای نقش «کشور پل»^۱ به لحاظ جغرافیایی باشند. به بیان دیگر، جغرافیای آنها می‌بایست از قابلیت اتصال حداقل دو منطقه متمایز برخوردار باشند. همچنین، سطح قدرت این کشورها می‌بایست به حدی باشد که حضور آن در چارچوب‌های میان منطقه‌گرایانه موجب حفظ ثبات در سطح دو منطقه باشد. در زمینه تعاملات فرهنگی و اجتماعی نیز این کشورها می‌بایست به واسطه برخورداری از تاریخی قابل توجه از تعاملات مثبت، دارای سطح مشخصی از نفوذ در مناطق پیرامونی خود برای اثرگذاری باشد. لذا، صرف قرار گرفتن در یک منطقه جغرافیایی خاص نمی‌تواند ایجادکننده سیاست خارجی نومنطقه‌گرا باشد.

^۱. Bridge Country

۱. الگوی سیاست خارجی اقتصادی چندبرداری^۱ قزاقستان؛ ابعاد نظری و عملی

قزاقستان از زمان استقلال خود از اتحاد جماهیر شوروی، الگوی سیاست چندبرداری را در دستور کار خود قرار داده است. براین اساس، قزاقستان از این سیاست برای تضمین استقلال خود و همچنین اطمینان از برخورداری از روابط متناسب با همه قدرت‌ها بهره‌برداری کرده است. در واقع سیاست چندبرداری به راهبردهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن قدرت‌های درجه دوم برای حفاظت از حاکمیت خود و همزیستی پایدار با قدرت‌های بزرگ مرتبط با خویش اطمینان خاطر کسب خواهند کرد (Vanderhill et al, 2020:976). سیاست چندبرداری در دوران ریاست جمهوری سی ساله نورسلطان نظربایف^۲ همواره در دستور کار قزاقستان قرار داشت. با این تفسیر که این کشور با قرار گرفتن در میان دوگانه چین و روسیه توانست به موفقیت اقتصادی قابل توجهی دست یابد و از طریق صادرات منابع طبیعی خود و ایفای نقش ترانزیتی موثر، رشد اقتصادی‌اش را افزایش داد.

الگوی سیاست چندبرداری به نوعی نشان‌دهنده عملگرایی اقتصادی قدرت‌های درجه دومی است که تمایل دارند تا در حین این که درگیر یک رابطه نامتقارن با قدرت‌های بزرگ پیرامون خود هستند، آثار و پیامدهای وابستگی به آنان را نیز کاهش دهند. الکساندر کولی^۳ معتقد است که کشورهای همچون قزاقستان از رقابت میان روسیه، چین و ایالات متحده برای کسب منافع بیشتر اقتصادی، ارتقای جایگاه قزاقستان و مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیک پیرامون خود از الگوی سیاست چندبرداری بهره می‌جوید (Cooley, 2012:9).

از منظر نظری الگوی سیاست چندبرداری نقطه مقابل سیاست همراهی (دنباله‌روی)^۴ مورد استناد استفان والت^۵ می‌باشد؛ هرچند که در ابتدای امر تشابهات فراوانی میان آنها وجود دارد. اگرچه به طوری کلی، نظریه‌های رئالیستی اعتقاد دارند که کشورهای برای محافظت از خود در برابر یک قدرت سلطه‌گر با سایر کشورها متحد می‌شوند، اما در الگوی دنباله‌روی به همسویی با یک قدرت قوی‌تر اشاره می‌شود. یعنی زمانی که کشورهای درجه دوم در وضعیت ضعف قرار داشته باشند و هیچ متحد دیگری برای آنها در دسترس نباشد، اقدام به دنباله‌روی از قدرت سلطه‌جو

¹ . Multivectorism

² . Nursultan Nazarbayev

³ . Alexander Cooley

⁴ . Bandwagoning

⁵ . Stephan Walt

می‌کنند (Schweller, 1994:74). اما سیاست دنباله‌وری به خوبی نمی‌تواند سیاست کشورهای همچون قزاقستان را توضیح دهد. چرا که قزاقستان فارغ از پیوستگی با هریک از قدرت‌های بزرگ نسبت به دیگری، همزمان روابط چندبرداری خاصی را با هریک از قدرت‌ها همچون چین، روسیه، ایالات متحده و حتی اتحادیه اروپایی برقرار ساخته است. در واقع الگوی رفتار قزاقستان گونه‌ای از رویکرد سیاست خارجی کشورهای درجه دو محسوب می‌شوند که بنا دارند تا مشارکت گسترده و همه‌جانبه (تأکید بر رقابت مثبت) هریک از قدرت‌های بزرگ را در درون گستره‌ی اقتصاد خود جایگزین رقابت‌های (شدید) برهم‌زننده ثبات میان آنها نمایند.

براین اساس، قزاقستان از جمله کشورهایی محسوب می‌شود که تلاش دارد از یک سواز عواقب وخیم رقابت در یک جهان ناپایدار به دور باشد و از سوی دیگر تمایل دارد تا قدرت‌های بیشتری را در مسایل و امور منطقه مشارکت دهد و هزینه بالای رقابت را برای آنها به نمایش گذارد. از نظر نورسلطان، این مشارکت از طریق حضور در سازمان‌ها و روندهای منطقه‌ای مرتبط با آسیای مرکزی که قزاقستان نیز در آنها حضور دارد، موجب وابستگی راهبردی فزاینده‌تر^۱ قدرت‌ها به مسایل منطقه خواهد شد. سند مفهوم سیاست خارجی قزاقستان^۲ از جمله منابعی است که به وسیله آن می‌توان چنین رویکردهایی را در فضای پیش‌روی این کشور در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۳۰ مشاهده و پیگیری کرد. براساس سند جدید که در ۶ مارس ۲۰۲۰ منتشر شد، روشن است که قزاقستان علی‌رغم تغییر رهبری، به حفظ فاصله نسبت به درگیری‌های قدرت‌های جهانی علاقه‌مند است (Akorda.ka, 2020). بدین ترتیب، اتخاذ سیاست چندبرداری و عملگرایی که باعث می‌شود قزاقستان طبق منافع خود با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی روابط برابر و سازنده داشته باشد، همانند سابق، اصول کلیدی سیاست خارجی آن هستند (موسسه مطالعات راهبردی شرق، ۱۳۹۹). در این مفهوم، اولویت‌های سیاسی خارجی قزاقستان از روابط دوجانبه به تعامل منطقه‌ای و همه‌جانبه منتقل شده است که نشان‌دهنده تمرکز این کشور بر استفاده از همه ظرفیت‌ها برای پیش‌برد اهداف سیاست خارجی است.

در سند جدید، قزاقستان برای دستیابی به این هدف، اولاً، به روابط با دیگر کشورهای منطقه ماهیت راهبردی داده و آنها را در یک سطح با بازیگران ژئوپلیتیک مهم مانند چین، روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا قرار می‌دهد. ثانیاً، از گسترش گفتگو و همکاری چندجانبه در آسیای مرکزی

^۱. Greater Strategic Interdependence

^۲. Concept of the Foreign Policy of the Republic of Kazakhstan for 2020-2030

حمایت می‌کند. ثالثاً، برای کمک به تقویت فرمت‌های موجود برای تعامل کشورهای منطقه با شرکای خارجی؛ اعلام آمادگی می‌کند. این موارد نشان می‌دهد که این کشور تا چه اندازه بر بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌ها از جمله همکاری‌های منطقه‌ای برای ارتقای موقعیت خویش و استمرار آن پافشاری می‌کند (Chebotaryov, 2020).

جمهوری اسلامی ایران نیز به نوعی سیاست خارجی قزاقستان را در راستا همگرایی منطقه‌ای تعریف نموده و در این زمینه نگاهی مثبت به تعاملات سازنده این کشور با خود دارد. با این حال باید در نظر داشت که هر نوع همگرایی قزاقستان در تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود، به منافع ملی این کشور و نقش کلیدی حضور قدرتهایی نظیر آمریکا، روسیه و چین بر می‌گردد که توضیح داده شد. در واقع باید به این نکته توجه داشت که ضمن در نظر داشتن واقعیات نظام بین‌المللی و البته کنار گذاشتن ملاحظات ایدئولوژیک، تصمیم‌گیران سیاست خارجی قزاقستان نوع روابط خود با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بر پایه راهبرد چندبرداری استوار ساخته‌اند تا در صورتی که از سوی هر کدام از بازیگران تحت فشار قرار گیرند، بتواند هدفهای منطقه‌ای و بین‌المللی خود را از راه بازیگران دیگر عملی سازند. برای ایران قزاقستان به عنوان یک کشور مهم در آسیای مرکزی و حتی در تعاملات بین‌المللی اهمیت دارد. ویژگی‌های داخلی و منطقه‌ای و اهمیت جغرافیایی قزاقستان در حوزه دریای خزر در توسعه روابط ایران و قزاقستان نقش مهمی دارد. همچنین اگرچه قزاقستان شریک دوم اقتصادی ایران در آسیای مرکزی است؛ ولی در حوزه مبادلات غیرنفتی، قزاقستان شریک اول ایران است (وثوقی و صفری، ۱۳۹۶: ۴۷۲ و ۴۸۰).

۲. رفتارشناسی مناسبات اقتصادی دوجانبه ایران و قزاقستان

ایران از جمله کشورهایی بود که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت و اقدام به توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری خود با این کشورها نمود. ایران در این راستا در ژانویه ۱۹۹۲، درست ۵ ماه پس از کودتای اوت ۱۹۹۱ در شوروی، استقلال قزاقستان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک خود را با این جمهوری آغاز کرد. در بازه حدوداً ۳ دهه از مناسبات دو کشور، رئیس‌جمهور سابق قزاقستان، نورسلطان نظربایف و روسای جمهور سابق ایران از جمله مرحوم حجه‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد بارها با یکدیگر دیدار کردند. ایران همچنین در

سال ۱۹۹۲ از عضویت قزاقستان در سازمان همکاری اقتصادی^۱ (اكو) حمایت کرد و قزاقستان نیز متعاقب این روند از حضور ایران در نهادهای بین‌المللی نظیر کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا^۲ (سیکا) و سازمان همکاری شانگهای^۳ (در سال ۲۰۰۴) حمایت کرده است. ایران و قزاقستان همچنین در شماری از موضوعات جهانی نظیر امنیت بین‌الملل و استفاده از نیروی نظامی در حل و فصل بحران‌های بین‌المللی اشتراک نظر داشته‌اند. نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور سابق قزاقستان همچنین در سال ۲۰۰۶ حمایت خود را از برنامه ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ابراز داشت (Kozhahmetov, 2013:41-42).

در همین حال یکی از محورهای جدی در تعاملات ایران و قزاقستان توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری بوده است. ایران و قزاقستان در دو دهه نخست مناسبات خود (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱) بیش از ۱۰۰ موافقتنامه مختلف به امضا رساندند که نشان از اولویت این روابط در سیاست خارجی هر یک دارد (Chokatova and Duisen, 2020:78). از این تعداد شمار قابل توجهی موافقت‌نامه‌های مرتبط با حوزه اقتصادی بوده است. بر اساس اسناد منتشر شده در مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی، در بازه سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۵، تعداد ۱۹ سند دوجانبه^۴ همکاری در حوزه‌های اقتصادی میان ایران و قزاقستان به امضا رسیده است. از این تعداد ۷ مورد در دهه ۷۰ شمسی، ۱۰ مورد در دهه ۸۰ و ۲ مورد در دهه ۹۰ به امضا رسیده است. همچنین از این تعداد ۷ مورد در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری، ۷ مورد در حوزه ترانزیت و ۵ مورد در حوزه امور کنسولی بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس (الف)، بی‌تا). لیست این اسناد و موافقتنامه‌های اقتصادی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

^۱. Economic Cooperation Organization (ECO)

^۲. Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia (CICA)

^۳. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

^۴. در خصوص اسناد چندجانبه در ادامه بحث خواهد شد.

جدول شماره ۱: اسناد و موافقتنامه‌های اقتصادی دوجانبه میان ایران و قزاقستان

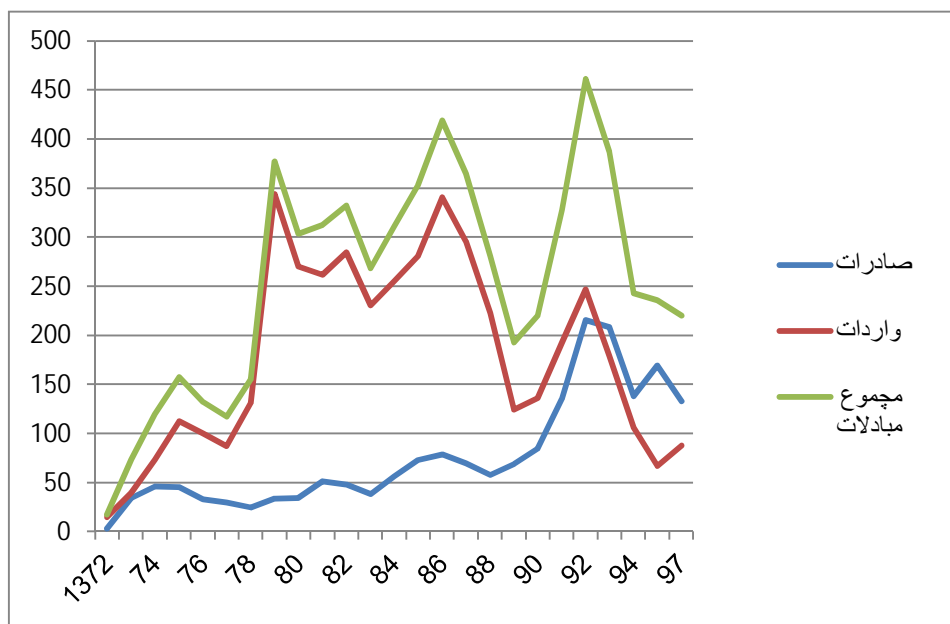
تاریخ	عنوان	تاریخ	عنوان	
۱۳۸۱	مجوز الحاق قزاقستان به «موافقتنامه میان‌دولتی کریدور بین‌المللی شمال - جنوب»	۱۱	۱۳۷۴	قانون موافقتنامه حمل‌ونقل جاده‌ای دولت‌های ایران و قزاقستان
۱۳۸۲	قانون موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی بلندمدت ایران و قزاقستان	۱۲	۱۳۷۴	قانون موافقتنامه همکاری بازرگانی - اقتصادی ایران و قزاقستان
۱۳۸۶	پروتکل اصلاحات و تغییرات در موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی بلندمدت (۱۳۷۸-۱۹۹۹) ایران و قزاقستان	۱۳	۱۳۷۴	قانون موافقتنامه حمل‌ونقل هوایی ایران و قزاقستان
۱۳۸۶	تأسیس سرکنسولگری ایران در شهر آکتائو	۱۴	۱۳۷۵	افتتاح کنسولگری قزاقستان در شهر مشهد
۱۳۸۶	موافقتنامه همکاری در زمینه حفظ نباتات و قرنطینه گیاهی ایران و قزاقستان توسط وزارت جهاد کشاورزی	۱۵	۱۳۷۶	قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری دولت ایران و قزاقستان
۱۳۸۷	افتتاح کنسولگری قزاقستان در شهر گرگان	۱۶	۱۳۷۶	لایحه موافقتنامه ایران و قزاقستان در مورد همکاری متقابل در مسائل گمرکی
۱۳۹۰	گشایش سرکنسولگری ایران در شهر آلماتی قزاقستان	۱۷	۱۳۷۷	قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه ایران و قزاقستان
۱۳۹۵	موافقتنامه حمل‌ونقل بین‌المللی مسافر و کالا از طریق جاده ایران و قزاقستان	۱۸	۱۳۸۰	ایجاد دفتر یا نمایندگی در کشور قزاقستان توسط سازمان توسعه راه‌های ایران
۱۳۹۷	افتتاح کنسولگری قزاقستان در شهر بندرعباس	۱۹	۱۳۸۱	قانون موافقتنامه ایران و قزاقستان در مورد همکاری و کمک متقابل در مسائل گمرکی
			۱۳۸۱	موافقتنامه ایران و قزاقستان در حوزه صنایع و معادن (فولاد)

منبع: اسناد منتشر شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (<https://rc.majlis.ir>)

این روند منجر به توسعه کمی و کیفی مبادلات تجاری دو کشور از سال ۱۹۹۲ گردید. در سال ۱۳۷۲ مجموع مبادلات تجاری ایران و قزاقستان تنها ۱۷,۳ میلیون دلار بود، اما این رقم در یک روند رو به رشد در سال ۷۴ به ۱۱۹,۶ میلیون دلار و سرانجام در سال ۷۹ به بیش از ۳۷۷,۳ میلیون دلار رسید. با این حال این روند باثبات نبوده و شاهد چند فراز و فرود در مبادلات تجاری دو کشور بوده‌ایم. مرحله نخست تا سال ۷۹ رشد مبادلات تجاری را شاهد بودیم و پس از آن تا سال ۸۱ روند مبادلات تجاری نزولی بوده است. به همین ترتیب در سال‌های ۸۶ و ۹۲ نیز شاهد تکرار چنین روندی از فراز و فرود در مبادلات تجاری دوجانبه بوده‌ایم. به نوعی مبادلات تجاری ایران و

قزاقستان به ازای هر ۵ سال رشد، یک بازه ۲ الی ۳ ساله از تنزل را تجربه کرده است. نکته جالب توجه آن که تمامی صعودهای مبادلات تجاری در ۳ ساله نخست دولت‌های سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی اتفاق افتاده و پس از آن روند نزولی به خود گرفته است. در همین حال باید توجه داشت که تراز تجاری مبادلات دو کشور تا سال ۱۳۹۲ به نفع قزاقستان مثبت بوده است، لذا جریان اصلی مبادلات تجاری عموماً منطبق بر واردات ایران از قزاقستان تغییر کرده است. بر این اساس، در حالی که روند صادرات ایران به قزاقستان یک روند تقریباً پایدار از رشد را تا سال ۹۲ تجربه کرده است، فراز و فرودهای مبادلات تجاری دو کشور، به میزان بیشتری به تحول در واردات ایران از قزاقستان مربوط بوده است. در نمودار شماره ۱ این روندها نشان داده شده است.

نمودار شماره ۱: مبادلات تجاری ایران و قزاقستان از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۷ (بر حسب میلیون دلار)

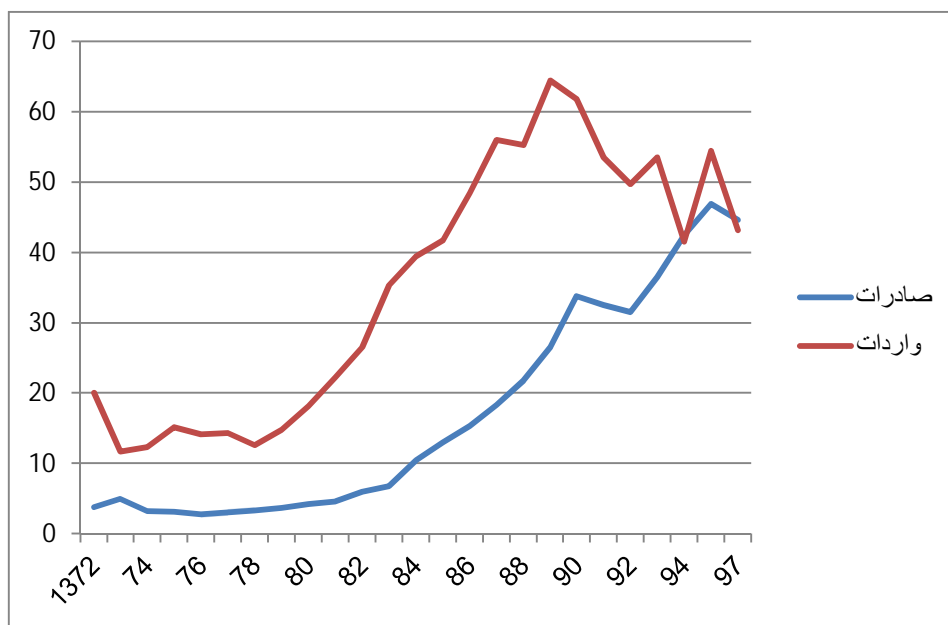


(منبع آمار: اداره گمرک ایران^۱، www.irica.gov.ir)

^۱ در زمینه مبادلات تجاری ایران و قزاقستان منابع مختلف از جمله کمیته دولتی آمار جمهوری قزاقستان، پایگاه‌های بین‌المللی و مراجع داخلی نظیر سازمان توسعه تجارت و یا معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، هر کدام آمارهای متفاوتی را ذکر کرده‌اند. با این حال، اداره گمرک ایران به دلیل انتخاب معیارهای مشابه، تداوم در انتشار داده‌ها و در نظر گرفتن مبادلات تجاری رسمی، برای این پژوهش انتخاب شد.

نکته جالب توجه دیگر از مقایسه این داده‌ها با روند کلی صادرات و واردات جمهوری اسلامی ایران به دست می‌آید. واردات جمهوری اسلامی ایران از سال ۷۳ تا ۹۰ روند رو به رشد نسبتاً پایداری را طی کرده است، اما به تدریج این روند به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. اگرچه این تنزل در واردات می‌تواند در نتیجه تحریم‌های اعمالی در سال‌های ۸۹ و ۹۰ باشد، اما جالب توجه است که مبادلات تجاری ایران و قزاقستان درست در بازه سال ۸۹ تا ۹۲ رشد چشمگیری داشته است. در نمودار شماره ۲ صادرات و واردات ایران نشان داده شده است.

نمودار شماره ۲: مجموع صادرات و واردات ایران از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۷ (میلیارد دلار)



(منبع آمار: گمرک ایران، www.irica.gov.ir)

۲. تحول روابط تهران و نورسلطان؛ از دوجانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی میان منطقه‌ای

بیش از یک دهه از آغاز روابط ایران و قزاقستان، عمده مناسبات دو کشور به صورت دوجانبه پیگیری می‌شد. تنها رویکرد چندجانبه اقتصادی مربوط به روابط آنها در این دوره، عضویت قزاقستان در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در سال ۱۹۹۲ بود. توافق اولیه برای

اتصال ریلی قزاقستان و ایران در قالب خط آهن داستیک-گروگان^۱ نیز در چارچوب این سازمان صورت گرفت (Naribaev, 2008:99). با این حال از اواخر دهه نخست قرن ۲۱، ایران و قزاقستان رویکردهای چندجانبه اقتصادی را در دستور کار قرار دادند. محور اصلی این رویکردها ژئواکونومی و عموماً مبتنی بر مسیرهای ترانزیتی بود. از این منظر نیز ایران در سال ۱۳۹۳ دستگاه مسئول در کمیسیون مشترک دو کشور را به وزارت راه و شهرسازی تغییر داد (مرکز پژوهش‌های مجلس (ب)، ۱۷ فروردین ۱۳۹۳). اولین طرح در سال ۱۳۸۸ میان ایران، قزاقستان و ترکمنستان برای توسعه مسیر ریلی شرق خزر صورت گرفت. فرایند اجرای این طرح ریلی ۹۲۴ کیلومتری در سال ۱۳۹۰ آغاز شد و در نهایت در سال ۱۳۹۳ توسط روسای جمهور سه کشور افتتاح شد. اهمیت این کریدور به حدی بود که برخی دیدگاه‌ها این کریدور را عاملی برای همگرایی منطقه‌ای میان ایران و آسیای مرکزی عنوان کردند (زهرانی، فرجی لوحه‌سرا و تجری، ۱۳۹۴:۱۱۸). ترکمنستان تنها شریک ایران و قزاقستان در این کریدور بین‌المللی بود. این کریدور همچنین زمینه توسعه برخی کریدورهای بین‌المللی را نیز فراهم آورد.

در این راستا باید اشاره داشت این مسیر ریلی در چارچوب کریدور بین‌المللی شمال-جنوب^۲ نیز بسیار حائز اهمیت است. قزاقستان پیش از این در سپتامبر ۲۰۰۳ به این موافقتنامه که چند سال پیش از آن توسط ایران، روسیه و هند تاسیس شد، پیوسته بود. همین امر نیز فرصت مشارکت بیشتر را به قزاقستان برای تکمیل طرح ریلی شرق خزر^۳ را فراهم آورد. اولین موافقتنامه این مسیر در سال ۲۰۰۷ میان روسای جمهور سه کشور به امضا رسید (Contessi, 2018:781). در همین حال قزاقستان تمایل خود برای سرمایه‌گذاری در بندر چابهار را اعلام کرده است. این موضوع با توجه به تجربیات پیشین این جمهوری در زمینه سرمایه‌گذاری در بنادر چین در مورد ساخت انبار و سیلو صورت گرفت (Pmo, 6 May 2019). تاسیس کنسولگری قزاقستان در شهر بندرعباس نیز در همین راستا با هدف توسعه بهره‌مندی این کشور از مسیر ایران تحت کریدور بین‌المللی شمال-جنوب انجام گرفته است. در نوامبر ۲۰۲۰ نیز مسیر دریایی کریدور شمال جنوب

^۱. Dostyk- Gorgan Railway

^۲. International North-South Transport Corridor (INSTC)

^۳. East Caspian Rail Corridor

تحت پوشش کنوانسیون کارنه تیر^۱ با بارگیری یک کشتی از بندر امیرآباد استان مازندران به مقصد بندر کوریک^۲ در قزاقستان فعال شد (ایرنا، ۲ آذر ۱۳۹۹).

در ادامه این رویکرد، یک محور ترانزیتی چندجانبه نیز با حضور چین شکل گرفته است. در سال ۲۰۱۶ نخستین قطار باری از شرق چین از مسیر قزاقستان و ترکمنستان وارد ایران شد. این مسیر ترانزیتی تحویل محموله‌های تجاری از شرق چین به ایران را از مسیر قزاقستان در کمتر از ۱۰ روز میسر ساخت که بسیار کمتر از مسیرهای دریایی پیشین بود (AstanaTimes, 5 Feb 2016). این موضوع در سال ۲۰۱۷ منجر به امضای یک تفاهم‌نامه چندجانبه میان ۴ کشور گردید که افزایش حمل‌ونقل ریلی را هدف‌گذاری می‌کرد (Kazinform, 28 Nov 2017). در سال ۲۰۱۹ نیز دولت ازبکستان به صورت رسمی به این کریدور ریلی پیوست (kun.uz, 5 Mar 2019). این رویکرد منجر به آن شد تا برخی دیدگاه‌ها این چارچوب را بستری برای مشارکت فعال ایران در طرح «یک کمربند، یک جاده»^۳ چین در نظر بگیرند (Globe, 2020:1). برخی دیدگاه‌های قزاقی نیز با اشاره به این همکاری‌های چندجانبه اشاره داشته‌اند که چین در طرح‌های ترانزیتی چندجانبه خود بر نقش قزاقستان و ایران تأکید ویژه‌ای داشته و ضمن تقویت روابط با دو کشور تلاش می‌کند تا از اقداماتی که ایران و قزاقستان را در منطقه در مقابل روسیه و ایالات متحده قرار می‌دهد، باز دارد (Jakubayeva and Zhekenov, 2019:198).

موافقتنامه عشق‌آباد^۴ نیز از جمله محورهای دیگر همکاری ایران و قزاقستان بوده است. این موافقتنامه در سال ۲۰۱۱ میان ایران، ازبکستان، ترکمنستان، عمان و قطر به امضا رسید. هدف اصلی این موافقتنامه تاسیس یک کریدور ترانزیت بین‌المللی بود که ۵ کشور را در طول سه منطقه آسیای مرکزی، ایران و دریای عمان و اقیانوس هند به یکدیگر متصل کند که از بنادر عمان و مسیر ریلی ایران و آسیای مرکزی بهره می‌برد (Dave, 2016:7). در همین حال دولت هند نیز در سال ۲۰۱۸ تصمیم خود برای عضویت در این موافقتنامه مذاکراتی را اعلام کرده است (mea.gov.in, 1 Feb 2018). قزاقستان نیز تحت اجرای شصت و پنجمین گام از ادغام در جریان ارتباطات ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی که در

¹. TIR Convention

². Kuryk Port

³. One Belt, One Road Initiative

⁴. Ashgabat Agreement

چارچوب برنامه ۱۰۰ گام این کشور برای توسعه پیش‌بینی شده بود، در فوریه ۲۰۱۵ به این موافقتنامه پیوست (Вардомский, 2015:66).

در کنار این موارد اما مهم‌ترین چارچوب چندجانبه‌ای که ایران و قزاقستان در آن همکاری‌های میان‌منطقه‌ای اقتصادی را آغاز کرده‌اند، اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. شکل‌گیری این اتحادیه در برخی دیدگاه‌ها یکی از ایده‌های نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور وقت قزاقستان محسوب می‌شود. او نخستین بار ایده خود را برای نقش‌آفرینی قزاقستان به عنوان یک پل میان اروپا و اوراسیا در سال ۱۹۹۱ مطرح کرد و پس از آن این ایده در نشست ۱۹۹۴ چتم هاوس^۱ و نیز دیدار وی از دانشگاه دولتی مسکو مطرح شد. شکل‌گیری یک فضای اقتصادی واحد، با تفاوت‌های جدی از سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با هدف ادغام اوراسیایی، از جمله محورهای استراتژی اوراسیایی نظربایف در سال ۱۹۹۴ بود. پیش‌نویس شکل‌گیری اتحادیه دولت‌های اوراسیایی اولین بار در ژوئن ۱۹۹۴ از سوی دولت قزاقستان مطرح شد (Sadykova, 2013:382). با این حال تکامل ساختارهای ابتدایی و شکل‌گیری نهایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ بعد از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین و در نهایت تا سال ۲۰۱۵ به طول انجامید. در همین راستا، ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ موافقتنامه موقت تجارت آزاد^۳ برای یک بازه سه ساله را به امضا رساندند و این موافقتنامه از اکتبر ۲۰۱۹ اجرایی شد. در همین حال قزاقستان با تخصیص ۱۶٫۵ درصد کل واردات و ۱۵ درصد کل صادرات ایران، دومین شریک اصلی ایران در این اتحادیه پس از روسیه محسوب می‌شود (Расулинежад и Орлова, 2020:188). در همین حال پیش‌بینی می‌شود با توسعه بسترهای ترانزیتی این مبادلات به میزان بیشتری توسعه یابد.

در کنار این موارد می‌بایست به وضعیت حقوقی دریای خزر نیز به عنوان یک بستر راهبردی در تعاملات ایران و قزاقستان اشاره داشت. در اوت ۲۰۱۸ ایران و قزاقستان در کنار ۳ کشور ساحلی دیگر از جمله ترکمنستان، آذربایجان و روسیه به امضا رسید. این موضوع در پنجمین نشست سران کشورهای ساحلی در شهر آکتائو^۴ به تصویب نهایی رسید. امضای این کنوانسیون نیز بسترهای جدیدی برای تقویت امنیت منطقه‌ای، پیشگیری از آلودگی بیشتر

^۱. Chatham House

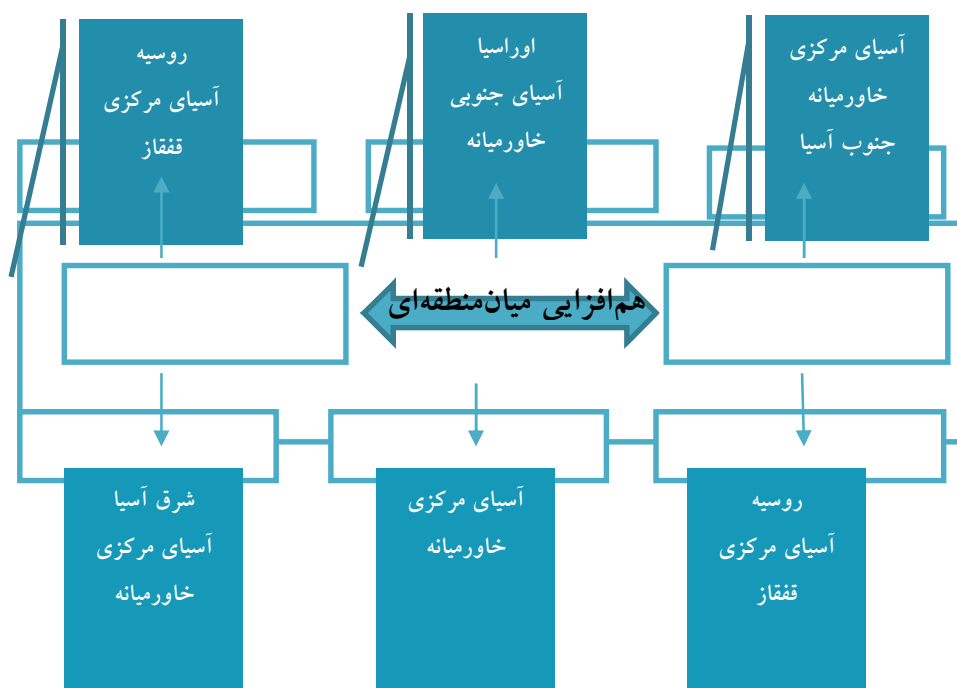
^۲. Eurasian Economic Union (EEU)

^۳. Free Trade Agreement

^۴. Aktau

دریای خزر و توسعه همکاری‌های اقتصادی ایجاد می‌کرد، چرا که بخش مهمی از طرح‌های بین‌المللی فیما بین نظیر کریدور بین‌المللی شمال جنوب (که قزاقستان و روسیه را به بندر انزلی و سپس آب‌های جنوب ایران متصل می‌کرد) به واسطه این کنوانسیون تسهیل می‌شد. درحقیقت هیچ کدام از این دستاوردها بدون حسن نیت همسایگی^۱ و یک استحقاق حقوقی^۲ مناسب امکان‌پذیر نبود (Pietkiewicz, 2021:7). تا پیش از این بسیاری از طرح‌های مشترک در دریای خزر با شکست مواجه شده و این پهنه بسته آبی با چالش‌هایی نظیر نظامی شدن و ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای مواجه شده بود. امضای این کنوانسیون اگرچه تمام چالش‌های حقوقی به خصوص در مواردی نظیر استفاده از منابع زیربستر را حل و فصل نکرده است، اما به بخش مهمی از این مسائل پاسخ داده و بستری برای تکامل این کنوانسیون فراهم آورده است.

شکل ۱: شبکه ارتباطات میان منطقه‌ای در مناسبات چندجانبه ایران و قزاقستان



¹. Neighborhood Good-Will

². Legal Entitlement

در شکل ۱ نشان داده شده است، چارچوب‌های چندجانبه منطقه‌ای با ماهیت اقتصادی در نهایت منجر به شکل‌گیری یک شبکه میان‌منطقه‌ای شده است که ایران و قزاقستان دو بازیگر کلیدی آن هستند. درحقیقت، ایران و قزاقستان یک پل اقتصادی برای اتصال مناطقی نظیر اوراسیا، جنوب غرب آسیا، حوزه خلیج فارس و دریای عمان، جنوب آسیا و حتی شرق آسیا فراهم آورده‌اند. برون‌داد چنین بستری می‌تواند فعال شدن ظرفیت‌های ژئواکونومیک و ارتقاء قابلیت‌های پیوندی چند ژئوپلیتیک مجزا (آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، حوزه خزر، جنوب غرب آسیا، حوزه خلیج فارس و دریای عمان، آسیای جنوبی و شرق آسیا) نسبت به یکدیگر شود.

۳. بستر سازی برای مشارکت ایران در همگرایی اوراسیایی

ظهور همگرایی اوراسیایی^۱ عموماً فرایندی^۲ در نظر گرفته می‌شود که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سیاست خارجی فدراسیون روسیه پدیدار گشت. مسکو در نخستین اقدام پس از استقرار ۱۵ جمهوری بازمانده از شوروی در تلاش برای ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای، سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را تاسیس کرد. این نظم به مرور زمان گسترش یافت و شامل سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای جدیدی می‌شد. سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی^۳، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای از جمله این سازمان‌هاست که با هدف ایجاد یک شبکه از تعهدات حقوقی حاکم بر تعاملات در فضای پساشوروی، تکوین یافتند. مسکو نیز در این راستا تلاش‌های قابل توجهی برای شکل‌دهی به یک نظم نوین منطقه‌ای صورت داده و از این منظر، اگرچه به هر سازمان به عنوان یک نمونه مجزا می‌نگرد، ولیکن همه آن‌ها را جزئی از یک کل در نظر دارد. تلاقی فاکتورهای امنیتی و اقتصادی در ژئوپلیتیک شوروی تعاملاتی را در این سازمان‌ها رقم زد که به طور موثری به فرایند «همگرایی اوراسیایی» منجر گردیده است (Slobodchikoff and Aleprete, 2020:7). در همین حال باید اشاره داشت در کنار روسیه، قزاقستان اصلی‌ترین چهره کلیدی همگرایی اوراسیایی بوده است. نورسلطان

^۱. Eurasian Integration

^۲. Process

^۳. Collective Security Treaty Organization

نظربایف یکی از چهره‌هایی است که در این زمینه تاکید ویژه‌ای بر تاسیس دوباره مسیرهای تجاری اوراسیایی، و ایجاد یک منطقه اقتصادی مشترک میان جمهوری‌های بر جای مانده از شوروی داشته است. با این حال برخی دیدگاه‌های نظربایف مبنی بر آن که همگرایی اوراسیایی از ابتکار و فناوری نشات می‌گیرد، و این که کشورهای آسیای مرکزی می‌بایست با اراده و علاقه خود به این فرایند ملحق شوند، با دیدگاه‌های مسکو تفاوت دارد (Kudaibergenova, 2016: 100). درحقیقت دیدگاه نظربایف به همگرایی اوراسیایی، ابعادی در ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی داشته که تحت آن گفتمان‌های متعددی در ادبیات چندقومی، توسعه جوامع چندمذهبی، نظام امنیت منطقه‌ای و موارد دیگری از این دست توسعه یافته است. تاسیس دانشگاه ملی اوراسیا^۱ در سال ۱۹۹۶ با هدف ایده‌پردازی در حوزه مفهوم همگرایی اوراسیایی، یکی از دیگر اقدامات نظربایف در این زمینه بوده است (Сенгупта, 2010: 108). با این وجود روند توسعه همگرایی اوراسیایی نشان از غلبه دیدگاه‌های روسی بر رویکردهای جدید آن بوده است.

در همین حال برخی دیدگاه‌ها همگرایی اوراسیایی را پاسخی به شرایط جدید از سوی کشورهای بلوک شرق می‌دانند که پس از فروپاشی شوروی، با یک فرایند تهاجمی از جهانی‌شدن نئولیبرالی^۲ مواجه بودند. توسعه فرایند همگرایی اوراسیایی به سازمان‌ها و روندهای جدید نیز منطبق بر همین هدف صورت گرفته است. با این حال، ارائه یک بدیل جدی که بتواند چالشی قابل توجه برای ساختار هژمونیک و رویکرد جهانی‌سازی نئولیبرالی بسازد، مستلزم ترکیب با مناطق دیگر شامل کشورهای کانونی است که به ویژه در ساختارهایی نظیر بریکس یا اعضای سازمان همکاری شانگهای حضور دارند. این فرایند نیز به ویژه پس از تهاجمی‌تر شدن فرایندهای گسترش ناتو به شرق و وقوع تحولات اوکراین در بهار سال ۲۰۱۴، همگرایی اوراسیایی را به سمت وابستگی متقابل بیشتر با این بلوک‌های قدرت سوق داده است (Lane, 2015: 18). طبیعتاً در این دیدگاه، جمهوری اسلامی ایران به دلیل نگاه منتقدانه نسبت به ساختار نظام بین‌الملل و نظم هژمونیک نئولیبرالیسم می‌تواند یک گزینه بالقوه ارزشمند باشد.

^۱. L.N. Gumilyov Eurasian National University

^۲. Neo-liberal Globalization

بر این اساس، همکاری‌های چندجانبه ایران و قزاقستان طی سال‌های اخیر روندی را به پیش برده که رویکردی میان‌منطقه‌گرایانه بر آن حاکم بوده است. ایران و قزاقستان در چارچوب‌های چندجانبه مبتکرانه خود و یا بازیگران بلوک‌های منطقه‌ای قدرت، شبکه‌ای از ارتباطات میان‌منطقه‌ای را بین بازیگران مختلف در مناطقی همچون حوزه اسلاوهای شرقی، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، شرق آسیا، آسیای جنوبی، خاورمیانه و حوزه دریای عمان شکل داده‌اند که مبتنی بر اصول و گزاره‌های اقتصاد سیاسی توسعه یافته‌اند. تقویت این پیوندها می‌تواند به نوعی یک نظم چندمنطقه‌ای (نوری، ۱۳۹۷: ۲۳۹) را در دیدگاه «اوراسیای بزرگ»^۱ به وجود بیاورد که زمینه را برای رشد ساختارهای «غیرغربی» و «غیرلیبرالی» در فرایند جهانی شدن (جهانی‌سازی) با «مشارکت ایران» فراهم می‌سازد. در فراخور این روند، سیاست خارجی نومنطقه‌گرا، با ویژگی‌های منحصر به فردی نظیر تقویت پیوندهای منطقه‌ای و توسعه تعاملات میان‌منطقه‌ای، تطبیق و سازگاری ارزش‌ها، تنظیم رفتارهای سیاست خارجی مبتنی بر اصول همسایگی و در واقع، منطقه‌گرایی فعال یکی از الزامات رفتاری برای ایران و قزاقستان محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان از بدو آغاز روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۹۲ تاکنون، روند ناپایداری از مناسبات اقتصادی دوجانبه را تجربه کرده‌اند. این فراز و نشیب همراه با رشد نسبی مبادلات تجاری در مناسبات دوجانبه در حالی است که دو کشور طی بازه حدوداً ۲ دهه از مناسبات، ده‌ها سند دوجانبه اقتصادی را با هدف تسهیل مبادلات تجاری به امضا رسانده‌اند. در همین حال باید اشاره داشت روندهای تغییر مبادلات تجاری و اقتصادی دو کشور به صورت مجزا، نشان از یک روند رو به رشد و نسبتاً پایدار را می‌دهد. به بیان دیگر، در حالی که اقتصاد و تجارت خارجی دو کشور با روند پایدار و رو به رشدی همراه بوده‌اند، روند مبادلات تجاری دوجانبه با این نظم حرکت نکرده‌است. این ناپایداری به دلیل بروز برخی چالش‌های اقتصادی و سیاسی به وجود آمده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، برنامه‌ها و طرح‌های ژئوپلیتیکی ایالات متحده با

^۱. Great Eurasia

هدف گذاری حذف ایران و حتی دیدگاه‌های مضیق اوراسیاگرایانه مسکو، روی داده‌اند. در پاسخ به این مساله، دو کشور یک رویکرد چندجانبه‌گرایانه را در دستور کار مناسبات خود قرار داده‌اند. این رویکردهای چندجانبه که عموماً از سال ۲۰۱۰ به بعد فعال شده‌اند، شامل چارچوب‌هایی نظیر توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مشارکت در کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب، هم‌افزایی در موافقتنامه ترانزیتی عشق‌آباد، مشارکت در تحت ابتکار کمربند و جاده، توسعه کریدور ریلی شرق خزر و امضای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر بوده است. براینده این مناسبات چندجانبه با محوریت قزاقستان زمینه‌ساز مشارکت فعال ایران با فرایند همگرایی اوراسیایی شده است. در این چارچوب، فرایند همگرایی اوراسیایی با هدف استقامت در مقابل جهانی‌سازی نئولیبرال، یک شبکه میان‌منطقه‌ای با حضور بازیگران کانونی مناطق گوناگون شکل داده است که این نقش در منطقه جنوب غرب آسیا می‌تواند توسط جمهوری اسلامی ایران ایفا شود.

از سوی دیگر، الگوی سیاست چندبرداری در سیاست خارجی قزاقستان موجب می‌شود تا انگیزه مضاعفی برای جمهوری اسلامی ایران در تعاملات اقتصادی با این کشور به وجود آید. از سوی دیگر این کشور در شکل‌گیری تعاملات سیاسی و اقتصادی منطقه آسیای مرکزی نقش مهمی دارد. ویژگی‌های جغرافیایی قزاقستان نیز در کنار تعاملات آن با قدرت‌های بزرگ متصل به منطقه آسیای مرکزی همچون چین و روسیه موجب افزایش وزن کنش‌گری این کشور در روندهای منطقه‌ای خواهد گردید. بی‌تردید، اتصالات جغرافیایی این کشور که چین، روسیه، آسیای مرکزی و دریای خزر را از راه زمین و همچنین ایران، خاورمیانه و شرق اروپا را از راه دریای داخلی به یکدیگر متصل می‌کند، مؤید سیاست چندبرداری نورسلطان خواهد بود. بنابراین استمرار تعاملات اقتصادی روبه‌گسترش با قزاقستان، ایران به دنبال آن است تا بتواند روندهای منطقه‌ای خود را در منطقه آسیای مرکزی و دریای خزر، در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و حتی سازمان پیمان همکاری‌های شانگهای تأمین کند.

این امر در میان مدت می‌تواند منجر به فعال شدن ظرفیت‌های ژئواکونومیک ایران شود. با این حال باید توجه داشت برونداد این امر در کوتاه‌مدت در شاخص‌هایی نظیر مبادلات تجاری و یا دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی در مسائل حادی همچون تحریم‌ها، قابل مشاهده نیست. بهره‌مندی از این مزیت‌ها مستلزم اتخاذ راهبردهایی ظرفیت‌محور مبتنی بر سیاست خارجی نومنطقه‌گرا است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در میان‌مدت

ضمن توجه به مولفه‌های سیاسی رفتاری خود بر مبنای ملاحظات جدید، در در راستای نهادینه‌سازی اقتصاد به سوی مشارکت با فرایند همگرایی اوراسیایی اقدام کند. از این رو، تغییر ترندهای تجاری اتاق‌های بازرگانی که هم‌اکنون در مسیرهای سنتی غربی و جنوبی متمرکز است، تقویت بسترهای جذب و صدور سرمایه‌گذاری، تطبیق ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع اقتصادی، ارائه پیوست‌های کارکردی در طرح‌های ترانزیتی و در نهایت، بالفعل سازی ظرفیت‌های ایجاد شده را طور جدی در دستور کار قرار دهد.

منابع و مأخذ

- اداره گمرک ایران، بی تا، «آمارهای سالیانه»، قابل دسترسی در: <https://irica.gov.ir>. تاریخ دسترسی: ۲۴ دی ۱۳۹۹.
- ایرنا، (۲ آذر ۱۳۹۹)، «مسیر دریایی کریدور شمال-جنوب فعال شد»، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/84119474>. تاریخ دسترسی: ۲۳ دی ۱۳۹۹.
- دهشیری، محمدرضا، رضائی جعفری، محسن، (۱۳۹۳)، «نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، ۳ (۲): ۱۹۱-۲۲۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۷)، «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲ (۵): ۹۹-۱۱۶.
- زهرانی، مصطفی، فرجی لوحه‌سرا، تیمور، تجری، سعید، (۱۳۹۴)، «جایگاه راه‌آهن شرق دریای خزر در همگرایی منطقه‌ای ایران با آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱ (۸۹): ۹۳-۱۲۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (الف)، بی تا، سامانه قوانین، قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir>. تاریخ دسترسی: ۲۱ دی ۱۳۹۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (ب)، (۱۷ فروردین ۱۳۹۳)، «تصویب نامه در خصوص تعیین دستگاه مسئول کمیسیون مشترک اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قزاقستان، پاکستان، عمان و آذربایجان»، قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/880860>. تاریخ دسترسی: ۲۱ دی ۱۳۹۹.
- موسسه مطالعات راهبردی شرق (۱۳۹۹) «ویژگی‌های مفهوم جدید سیاست خارجی قزاقستان»، قابل دسترسی در: <http://www.iess.ir>. تاریخ دسترسی: ۱۰ تیر ۱۳۹۹.
- نوری، علیرضا، (۱۳۹۷)، «ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی؛ منافع منطقه‌گرایی فعال»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۲ (۱): ۲۳۵-۲۵۲.
- وثوقی، سعید و صفری، عسگر (۱۳۹۶) «نقش قزاقستان در گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۰ (۲): ۴۶۷-۴۸۴.

- *Astanatimes* (5 Feb 2016), "New Kazakh Transit Route Links China to Iran", Available at: <https://astanatimes.com/2016/02/new-kazakh-transit-route-links-china-to-iran/>, Accessed on: 2021/1/14.
- Chebotaryov, Andrey (2020) "Special Aspects of Kazakhstan's New Foreign Policy Concept", *Central Asian Bureau for Analytical Reporting (CABAR)*, Available at: <https://cabar.asia/en/special-aspects-of-kazakhstan-s-new-foreign-policy-concept>, Accessed on: 2020/08/14.
- Chokatova, A. M, Duisen, G. M, (2020), "Regional Trade and Agrarian Relations between Kazakhstan and Iran: Trends and Prospects of Development", *Series of Social and Human Sciences (The National Academy of Sciences of the Republic of Kazakhstan)*, 2 (330): 78-86.
- Contessi, Nicola, (2018), "Foreign Policy Diversification and Intercontinental Transport Corridors: The Case of Kazakhstan's Railways Diplomacy", *Europe-Asia Studies*, 70 (5): 759-790.
- Cooley, Alexander (2012) *Great games, local rules: the new Great Power contest in central Asia*, New York: Oxford University Press, 2012.
- Dave, Bhavana, (2016), "Resetting India's Engagement in Central Asia: from Symbols to Substances", *RSIS Policy Report*, January 2016, Pp. 1-18.
- Globe, Paul, (2020), "Iran Rapidly Expanding Rail Links With Central Asia and Caucasus", *Eurasia Daily Monitor*, 17 (178).
- Hettne, Björn, (2003), "The New Regionalism Revisited", in Fredrik Söderbaum and Timothy M. Shaw, "*Theories of New Regionalism*", London: Palgrave Macmillan, Pp. 22-43.
- Hettne, Björn, (2005), "Regionalism and World Order", in Mary Farrell, Björn Hettne, and Luk Van Langenhove, "*Global Politics of Regionalism: Theory and Practice*", London: Pluto Press, Pp. 269-287.
- Jakubayeva S., Zhekenov D., (2019), "Iran, Kazakhstan and China: the Implementation of the Program "One Belt – One Road"", *Journal of Oriental Studies*, 89 (2): 192-199.
- *Kazinform*, (28 Nov 2017), "Kazakhstan, China, Turkmenistan and Iran agree to Increase Railway Traffic", Available at: https://www.inform.kz/en/kazakhstan-china-turkmenistan-and-iran-agree-to-increase-railway-traffic_a3090562, Accessed on: 2021/1/14.
- Kudaibergenova, Diana, (2016), "Eurasian Economic Union integration in Kazakhstan and Kyrgyzstan", *European Politics and Society*, 17 (1): 97-112.
- *Kun*, (5 Mar 2019), "Uzbekistan Joins China-Kazakhstan-Turkmenistan-Iran Railway Corridor", Available at: <https://kun.uz/en/news/2019/04/05/uzbekistan-joins-china-kazakhstan-turkmenistan-iran-railway-corridor>, Accessed on: 2021/1/14.
- Lane, David, (2015), "Eurasian Integration as a Response to Neoliberal Globalization", in David Lane & Vsevolod Samokhvalov, *The Eurasian Project*

and Europe: Regional Discontinuities and Geopolitics, London: Palgrave Macmillan, Pp. 3-22.

- Ministry of External affairs of Government of India, (1 Feb 2018), "India Joins the Ashgabat Agreement", Available at: https://www.mea.gov.in/press-releases.htm?dtl/29406/India_Joins_the_Ashgabat_Agreement, Accessed on: 2021/1/16.

- Naribayev, Marat, (2008), "The Republic of Kazakhstan and the Economic Cooperation Organization: Present State and Future Cooperation", *Central Asia and the Caucasus*, 49 (1): 98-111.

- Pietkiewicz, Michał, (2021), "Legal Status of Caspian Sea – Problem Solved?", *Marine Policy*, 123 (104321): 1-9.

- Ports and Maritime Organization, (6 May 2019), "Kazakhstan's Willingness to Invest in Construction of Warehouses and Silos in Chabahar Port", Available at: <https://www.pmo.ir/en/news/46506/>, Accessed on: 2021/1/16.

- Sadykova, Raikhana, (2013), "Eurasian Idea of N.A. Nazarbayev as the Basis of Modern Integration", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (89): 377-386.

- Schweller, Randall (1994), "Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back in", *International Security* 19 (1): 72-107.

- Slobodchikoff, Michael, and Aleprete, Michael, (2020), "The Impact of Russian-led Eurasian Integration on the International Relations of the Post-Soviet Space", *Europe-Asia Studies*, (72): 1-15.

- Vanderhill, Rachel, Sandra F Joireman, and Tulepbayeva, Roza (2020) Between the Bear and the Dragon: Multivectorism in Kazakhstan as a Model Strategy for Secondary Powers, *International Affairs*, 96 (4): 975–993.

- Вардомский, Л. Б., (2015), "Транзитный Потенциал Казахстана в Контексте Евразийской Интеграции", *Всероссийский Экономический Журнал ЭКО*, №. 8, - С 59-80.

- Кожахметов, К, (2013), "Казахстанско-Иранские Отношения: Достижения, Проблемы, Перспективы", *Вестник Казну, Серия Востоковедения*, 62 (1): 41-44.

- Расулинежад, Эхсан и Орлова, Ольга (2020), "Торгово-Экономическая Интеграция Евразийского Экономического Союза и Исламической Республики Иран как Направления Международной Деятельности ЕАЭ", *Московский Экономический Журнал*, Том. 10, - С 172-194.

- Сенгупта, Анита, (2010), "Перспективы Евразийства (Казахское и Турецкое Восприятие Евразии как Геополитического Пространства)", *Идеи и Идеалы*, Том. 3, - С. 104-117.